

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

محمد نوری زاد- تهران

۱۵ نومبر ۲۰۱۳

من برای تو عزاداری نمی کنم یا حسین!

حسین جان، در کشوری که آزادی را به دخمه های نامردمی فرو فشرده اند، من چرا برای تو گریه کنم؟ پس من نه برای زخم های تو، بل برای همین آزادی محبوس در دخمه های شقاوت می گریم. در کشوری که بدیهی ترین مقدمات انسانی را به لجن بد بوی عربده های بی ادبی آلوده اند، من چرا برای تو بگریم؟ گریستن برای تو، یعنی ندیدن شمرها و خولی ها و یزیدهای این زمان. ومن، حتماً جفا کار خواهم بود اگر یزدیان این روزهای سرزمینم را رها کنم و به کینه توزی آنانی خیز بردارم که قرنهای پیش بر تو و اهل تو بلا باریدند؟

حسین جان، باور کن کربلا همینجاست. ما اینجا به دست کسانی کشته و غارت و زندانی می شویم که فریاد اسلامخواهی و صدای غلیظ قرآن خواندنشان گوش ما و گوش فلک را کر کرده است. به این نتیجه رسیده ام که ای حسین عزیز، دشمنان خونی تو، حداقل به مختصات از جوانمردی پای بند بودند. دشمنان تو ای حسین بزرگ، هرگز به ناموس تودست نبردند. آنان برای ظاهر سازی هم که شده، اموال ربوده شده خویشانت را بدانان بازگرداندند و خود آنان را با عزت و احترام به موطنشان بازگرداندند. در اینجا اما بیرق بدوشان اسلامی، به ناموس و آبروی ما دست می برند و با ما آن می کنند که مطلقاً دشمنان تو با تو و با اهل تو نکردند.

دیروز حسین جان، بانویی با چشمان گریان نزد من «نوری زاد» آمد و از روزهای تلخ زندان خود گفت. این که در زندان و در شب ها و روزهای هولناک بازجویی به بدن او دست کشیده اند. چندی پیش نیز بانویی دیگر، که او را و دخترانش را برهنه برهنه کرده بودند. اینها را حسین جان بیفزای به هزارهزار کشته بی دلیل. و به اموال مصادره و غارت شده و به آبروهای ریخته شده و به عمرها و استعدادهای تباہ شده. پس من با اجازه خودت، و **خلاف سالهای گذشته**، برای تو عزاداری نمی کنم.

آنجا که حاکمان ما، با فریب مردم و هدایت آنان برای عزاداری تو، گریبان خود را از مهلکه شقاوت بدرمی برند، ما چرا شمرها و یزیدها و خولی های دم دست را و ابگذاریم و به سراغ کسانی برویم که در خاطره های محو ما می لنگند؟ آنهم درست در حالی که اشقیای حی و حاضر، دم دست مایند و برای روفتن دارائی های فردی و جمعی ما بر طبل های ناکسی می کوبند. این بگویم و بگذرم حسین جان که اگر دشمنان تو به اسم اسلام، تورا و اهل تورا از دم تیغ گذراندند، اشقیای ما در لباس تو و جد تو و شجره ای که از تو برای خود آراسته اند، به برهنه کردن ما از اخلاق و مال و جان شلتاق می کنند. با این حساب حتماً با من هم رأی هستی که عزاداری برای تو، درست همان است که حاکمان شقی ما می خواهند. من صدای تو را می شنوم که از دل تاریخ فریاد برمی آوری که: **حق مرا رها کنید و برای احقاق حقوق تباہ شده خود خروج کنید و برسرو سینه بزنید. پس من همین می کنم که تومی خواهی.**

محمد نوری زاد

شانزدهم آبانماه/عقرب/ نود و دو - مصادف با سوم محرم ۱۴۳۵ - تهران